
Application of Contextualism Theory in the Design of the City Entrance (Case Study:Entrance of Kermanshah City from Hamedan) ¹

Ardalan Hosseini ^{*1}, Kioumars Habibi ²

¹ Aso Shahr Midia Consulting Engineers Managing Director, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Received Date: 27 December 2021 **Accepted Date:** 12 March 2022

Abstract

Lack of attention to the entrance space of the city during the rapid growth of urbanization, these spaces have faced a crisis of anonymity. Achieving a design with understandable quality is a reference to solve these issues. Achieving a sort of design for preservation and continuity of the former identity, relationship of the audience with the identity of the place through visual communication with symbolic elements, creating a pause through visual communication with local symbols and symbolic elements in the entrance design of Kermanshah (from Hamedan) are the aims of research. The method is combined, with an interpretive approach, we tried to ask how people understand and evaluate the identity of the entrance of the city of Kermanshah from Hamedan? To be answered. In this regard, data were collected and analyzed through in-depth interview techniques and field observation and field survey. Sampling was purposeful and the interviews reached theoretical saturation after 30 interviews. In the analysis step, thematic analysis method was used. Finally, the results were classified and interpreted based on thematic analysis and field observations. The results of this study showed that the non-use of environmental elements (human and natural) at the entrance of Kermanshah has caused the city entrance to lack the components of a distinct entrance. The most important environmental elements identified as native signs and symbols of Kermanshah are; Tagh-e-Bostan, Tagh-e-Gara, stone materials and vegetation of the region, which if used in the entrance of the city based on the contextualism approach can identify the entrance and make it have the components of a distinct entrance.

Keywords: Design, City Entrance, Contextual Theory, Native Symbols, Kermanshah.

¹ This article is extracted from the doctoral thesis entitled "Application of Contextualism Theory in the Design of the City Entrance (Case Study:Entrance of Kermanshah City from Hamedan) " of the first author's with the Supervisor of the Second in Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University.

*** Corresponding Author:** ardalan.hs@gmail.com

Cite this article: Hosseini, A., Habibi, K. (2022). Application of Contextualism Theory in the Design of the City Entrance (Case Study:Entrance of Kermanshah City from Hamedan). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSRUDS)*, 2(4), 23-42.

کاربست تئوری زمینه‌گرایی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان^۱

اردلان حسینی^{۱*}، کیومرث حبیبی^۲

۱. مدیرعامل مهندسين مشاور آسو شهر ميديا، تهران، ايران

۲. دانشيار گروه شهرسازي، دانشكده معماری و شهرسازی، دانشگاه کردستان، سنندج، ايران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

چکیده

عدم توجه به فضای ورودی شهر در جریان رشد شتابان شهرنشینی، این فضاها را با بحران بی‌هویتی روبه‌رو کرده است. دستیابی به طراحی دارای کیفیت قابل‌فهم، رجوع به زمینه طرح راه‌برون‌رفت از این مسائل است. هدف از این پژوهش؛ حفظ و تداوم هویت پیشین، ارتباط مخاطب با هویت مکان از طریق ارتباط بصری با عناصر نمادین، ایجاد مکث از طریق ارتباط بصری با نشانه‌ها و عناصر نمادین محلی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه (از سمت همدان) است. روش پژوهش در این پژوهش ترکیبی است. در این پژوهش با رویکرد تفسیرگرایی، سعی شد به این سؤال که افراد، هویت ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان را چگونه درک و ارزیابی می‌کنند؟ پاسخ داده شود. در این راستا داده‌ها از طریق فنون مصاحبه عمیق و مشاهده و بازدید میدانی، گردآوری و موردبررسی قرار گرفتند. نمونه‌گیری، هدفمند بوده و مصاحبه‌ها پس از ۳۰ نمونه به اشباع نظری رسید. در تحلیل داده‌های مصاحبه، از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. در نهایت نتایج برگرفته از تحلیل تماتیک و مشاهدات میدانی طبقه‌بندی و تفسیر شد. نتایج این پژوهش نشان داد عدم به‌کارگیری عناصر محیطی (انسانی و طبیعی) در ورودی شهر کرمانشاه باعث شده تا ورودی شهر، فاقد مؤلفه‌های یک ورودی متمایز باشد. مهم‌ترین عناصر محیطی شناسایی‌شده به‌عنوان نشانه و نمادهای بومی کرمانشاه عبارت‌اند از: طاق‌بستان، طاق‌گرا، مصالح سنگ و پوشش گیاهی منطقه، که در صورت کاربری این عناصر در ورودی شهر بر اساس رویکرد زمینه‌گرایی می‌توانند باعث هویت بخشی به ورودی و آن را واجد مؤلفه‌های یک ورودی متمایز نمایند.

کلید واژه‌ها: طراحی؛ ورودی شهر؛ تئوری زمینه‌گرایی؛ نمادهای بومی؛ کرمانشاه.

^۱ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان طراحی ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان با تأکید بر عامل سرعت نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی است.

* نویسنده مسئول: ardalan.hs@gmail.com

ارجاع به این مقاله: حسینی، اردلان، حبیبی، کیومرث. (۱۴۰۰). کاربرد تئوری زمینه‌گرایی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۲(۴)، ۲۳-۴۲.

مقدمه و بیان مسأله

توجه به کیفیت در فرآیند برنامه‌ریزی شهری عامل کلیدی و مؤثر در تحقق ایجاد محیط شهری با رفاه مطلوب است (شیعه و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). در شهرهای قدیم مفهوم ورود به شهر به معنای نفوذ از یک نقطه به یک زیستگاه محصور بود. اما در دوره‌های بعد با اهمیت یافتن روزافزون اتومبیل در نظام اطلاعات درون و برون شهری، ماهیت مبادی ورودی شهرها به لحاظ کالبدی- کارکردی دچار تغییرات اساسی شده است. بدین ترتیب دروازه شهر به‌عنوان عنصری شاخص با هویت و در ارتباط با سازمان کالبدی فضایی شهر، جای خود را به محور تندرو برای تردد وسایل نقلیه موتوری داد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۲).

استفاده نامناسب از اراضی اطراف شهر باعث شده است تا سیما و ورودی‌ها، صرفاً به‌عنوان عنصری جهت مشخص نمودن محدوده شهر عمل کنند. ورودی شهرها فارغ از زمینه شناختی آن، با فرم‌ها و اشکالی مشابه یکدیگر ساخته می‌شوند که بار معنایی خاصی را به دنبال ندارند و می‌توان گفت ورودی‌ها فاقد هویت بوده است. (رحیمی و نقشبندی، ۱۴۰۰: ۹۵). امروزه هویت هر شهر بر اساس کیفیت فضاهای شهری آن شناخته می‌شود. زیرا محیط انسان‌ساخت شهرها محصول و نتیجه فکر و دست انسان‌های آن شهر است. به‌طور کلی در بررسی فضاهای شهری امروز نابسامانی‌های متفاوتی وجود دارد و بیشتر این فضاهای شهری از لحاظ عملکرد نامناسب و سیمای شهری آنان نیز، نشان از بی‌هویتی دارد. بنابراین لازم است با استفاده از مکانیسم‌های گوناگون در جهت رفع این معضلات اقدام گردد. (محمد زاده و مولایی، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

برون‌رفت از این مسائل دستیابی به طراحی دارای کیفیت قابل فهم، ریشه‌دار و مستمر، رجوع به پیشینه و زمینه طرح است. این مهم بر پایه تئوری زمینه‌گرایی قابل‌بررسی و تحلیل است؛ زیرا بستر و زمینه هر طرحی، ترکیبی از ویژگی‌های محیطی، کالبدی، تاریخ، فرهنگ و فعالیت‌های اجتماعی و دستاوردهای مادی و معنوی آن درگذر زمان است. زمینه‌گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی و فرهنگی است که بر طبق ایده‌ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند (تولایی، ۱۳۸۰: ۱).

ورودی شهر کرمانشاه به تبعیت از بالا رفتن سرعت فاقد معیارهای یک ورودی همچون، حس ورود، هدایت‌کنندگی، جذابیت بصری، هویت، انعطاف‌پذیری و ... هست. ورودی شهر کرمانشاه از آنجائی که دروازه ورود به غرب کشور با هویت خاص محلی و آثار تاریخی مادی و معنوی منحصر به فرد و خرده‌فرهنگ ویژه یکی از قدیمی‌ترین ساکنان سرزمین ایران هست و از سوی دیگر دروازه ورود به کشور عراق با اشتراکات قومی و مذهبی در دو سوی مرز هست حائز اهمیت است. بنابراین شایسته است ورودی شهر از بعد هویتی معرف ویژگی‌های فوق نیز باشد. از اینجاست که لزوم پرداختن به ورودی شهر به‌عنوان یک فضای شهری مطرح می‌شود و اهمیت آن در این است که ورودی، نخستین فضای شهری است که هر کس به هنگام ورود به شهر با آن مواجه می‌گردد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۹).

سؤال‌های و فرضیه‌های پژوهش

سؤال اصلی؛ هویت ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان را چگونه درک، تفسیر و ارزیابی می‌شود؟
سؤال فرعی که در پی آن آمده است شامل: ۱- چه الگویی برای طراحی ورودی شهر کرمانشاه مناسب است؟
به نظر می‌رسد ورودی شهر کرمانشاه فاقد هویت متمایز و سکانس بندی یک ورودی است و وارد شونده بدون دریافت مؤلفه‌های یک ورودی، ناگهان در سکانس فیزیکی حضور می‌یابد.
الگوی بهینه برای طراحی ورودی شهر کرمانشاه استفاده از عناصر محیطی مبتنی بر تئوری زمینه‌گرایی است.

اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش؛ شناسایی هویت ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان. حفظ و تداوم هویت پیشین، ارتباط مخاطب با هویت مکان از طریق ارتباط بصری با عناصر نمادین، ایجاد مکث از طریق ارتباط بصری با نشانه‌ها و عناصر نمادین محلی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه (از سمت همدان) است.

مبانی نظری

ورودی

در لغت‌نامه دهخدا ورودی منسوب به ورود دانسته شده و "ورود" در لغت به معنای رسیدن، درآمدن و وارد شدن هست. ورودی در معماری پاسخگوی عمل ورود به معنای "رسوخ در سطحی عمودی" است. گروه تیم تن نقش مهم و حساسی را برای فضای ورودی قائل شده و معتقد است که این فضا چه در بنا و چه شهر می‌تواند به‌عنوان بستری برای یک تجربه مطبوع انسانی عمل کند و بنابراین ورود و خروج آگاهانه نماید (بحرینی و بابلی، ۱۳۸۱). ورودی یعنی گذار از فضای گشوده و ورود به قلمروی دیگر که سرآغاز یا سرانجام یک سفر است. ورودی مفصل جداکننده دو فضای متفاوت است (مغاره و داوودپور، ۱۳۸۸).

ورودی شهر

ورودی به‌عنوان یکی از نشانه‌های شهر، نمایگر هویت شهر در ذهن بازدیدکنندگان آن است. از این‌رو به تبعیت از شرایط حاکم بر ماندگاری و خاطره‌انگیزی اولین برخورد برای یک بازدیدکننده جزو مؤثرترین فضاهای شهری است که حجم زیادی از خاطرات ذهن بازدیدکنندگان را تشکیل می‌دهد و تأثیر زیادی در نوع برداشت افراد از یک شهر دارد. به واقع فضای ورودی به‌مثابه یک مفصل است و نه یک خط و مرز. از این‌رو همانند هر مفصل دیگری لازم است دارای طیفی از زمان و سلسله‌مراتب میان دو عرصه باشد. ورود از طریق عبور از یک مسیر در درون سلسله فضاهایی صورت می‌گیرد که به تدریج از بیرون به درون از عمومی بودن فضاها کاسته شده بر محرومیت و خصوصی بودن آن اضافه می‌شود (خطیبی و رضایی، ۱۳۹۲: ۳). ورودی شهر نخستین فضای شهری است که هرکس به هنگام ورود به شهر با آن مواجه می‌شود. ورودی شهر، به آن بخش از شهر می‌گویند که به جهت ورود یا خروج از شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱ و ۳۲).

زمینه‌گرایی

واژه زمینه به معنای متن و بافت در فرهنگ‌نامه‌های فارسی یافت می‌شود ولی زمینه‌گرایی به معنای توجه به و احترام به زمینه و جهات مختلف کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است. در واژه‌نامه آریانپور معادلی که برای این واژه عنوان شده است Conextual است.

ریشه‌های مفاهیم زمینه، زمینه‌گرا و زمینه‌گرایی در میلان در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی بنانهاده شد. احتمالاً آدریان قورتی اولین حضور قابل توجه اصطلاح زمینه در فرهنگ لغات معماری را به یادداشت‌های کریستوفر الکساندر درباره سنتز فرم در سال ۱۹۶۴ ارجاع می‌دهد. معنای مترادف محیط است، بجای مفاهیمی که از آن زمان تاکنون به‌دست‌آمده است (کووان، ۲۰۰۵: ۸۸).

زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشته است، اما به تدریج حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی-فرهنگی جامعه و توجه به ابعاد زیست‌محیطی در مسیر توسعه گسترش داد (طالبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۳).

زمینه مجموعه‌ای است کل‌نگر و غیر ساکن و زمینه‌گرایی رویکردی است که در طراحی محیط مصنوع، با رج نهادن به ساختار ذهنی و عینی زمینه، به‌مثابه رویدادی هوشمند در ابعاد طبیعی، تاریخی و فرهنگی-اجتماعی، موجب پیوند دادن مخاطب با زمینه می‌شود (آزادی و معصومی نژاد، ۱۳۹۵: ۱). زمینه‌گرایی در راستای هویت بخشی به فرهنگ و تاریخ و حفاظت از عناصر سنتی محیط کالبدی تلاش می‌کند (لیمو، ۲۰۰۸: ۴۱). جیکوبز معتقد است که طرح‌های جدید زمینه‌گرایی نباید به یک کپی ساده از بناهای قدیمی تقلیل یابد (جاکوبز، ۱۹۹۶: ۲).

قاعده طلایی تیبالدز با عنوان "موضوع اصلی مکان" بیانگر این ایده است که: زمینه‌ها اولین مؤلفه‌های سازنده طراحی شهری موفق هستند. کیفیت منحصربه‌فرد بودن هر مکان شاید بارزترین منبع در دست طراحان شهری می‌باشند به همین خاطر معنی‌دار بودن و قابل‌ادراک بودن مکان جزء اساسی رضایت و دل‌بستگی به مکان از نظر لینچ هست (علی تاجر و اسدی، ۱۳۹۷: ۶۸). بوکانان معتقد است که زمینه فقط شامل محدوده بلافاصل نیست بلکه تمام شهر و شاید ناحیه پیرامونش را نیز شامل شود (بهبزادفر، ۱۳۸۵: ۲۳۴).

زمینه‌گرایی در اندیشه‌های نو شهرگرایی بیانیه‌ای در راستای احیای برگه‌های معماری قبل از دوران مدرن و آرمان‌های طرح‌های سنتی است (هیرت، ۲۰۰۹). به‌طور کلی زمینه‌گرایی دارای دو بعد طبیعی و انسانی است. زمینه طبیعی به ویژگی‌های محیطی مانند، اقلیم، پوشش گیاهی، جانوری، ویژگی‌های توپوگرافی و مورفولوژی زمینه می‌پردازد (ورلد فورت، ۲۰۰۴). زمینه انسانی شامل شاخه‌های تاریخی و سنت، کالبدی و اجتماعی فرهنگی است.

تاریخ‌گرایان معتقدند که گذشته برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بی‌هوده فرض نموده است. جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خورده است. همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظامی خاص ایجاد می‌کند و مبنایی است برای عمل (رووی و کوتر، ۱۹۷۸: ۱۸ و ۱۹).

شاخه کالبدی، کالبد را عامل انسجام دهنده می‌داند و در پی یافتن الگوهای فراگیری است که امکان روابط متقابل توده و فضا را فراهم کند و به تبیین روابط علی و معلولی و ساختارهای ارتباطی در شهر می‌پردازد (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹: ۸). بافت کالبدی و ساختار مکانی - کالبدی شهری از ابعاد مهم هویتی شهر است، زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی شهر متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ است. در واقع کالبد شهر امکان‌بازشناسی هویت شهری را به‌صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲: ۵۵).

هر محیط شهری الگوی خاص برای توده و فضا دارد، اما طراحی شهری در صورتی موفق است که بتواند میان توده و فضا همزیستی مثبت ایجاد کند (آشپه‌ارا، ۱۹۸۳: ۸۶). مصداق این جمله در روانشناسی گشتالت به‌خوبی نمود یافته است. در روانشناسی گشتالت، اگرچه تجربه‌های روان‌شناختی از عناصر حسی ناشی می‌شود، اما با خود این عناصر تفاوت دارند، بدین معنی که ما دنیا را نه به‌صورت مجموعه‌ای از محرک‌های جداگانه بلکه به‌صورت کل‌های معنی‌داری تجربه می‌کنیم. در نتیجه طبق این نظریه، کل چیزی فراتر از جمع جبری اجزاست. می‌توان گفت عمل ادراک به این معنی است که سیستم ادراکی ما داده‌های حسی دریافت شده از اعضای گوناگون و رابطه‌ی میان آن‌ها را درهم‌تنیده به‌صورت یک طرح کلی "گشتالت" درمی‌آورد (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳: ۱۲).

شاخه اجتماعی فرهنگی از آنجا حائز اهمیت است که وظیفه شهرساز ایجاد مکان پایدار است و ایجاد مکان پایدار از طریق برقراری بهترین تناسب میان زمینه فرهنگی، کالبدی، نیازها و انتظارات استفاده‌کنندگان فراهم می‌شود. زیرا به نظر آن‌ها شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه‌ی آن ای که ظاهر می‌شود درک می‌شود

(نوربرگ شولز، ۱۹۸۰: ۱۸). نیازهای انسانی با توسعه فناوری تغییر نمی‌کند از این رو لازم است سنت‌های مسلمی که مکان و فرهنگ‌ها را ساخته‌اند نیز حفظ گردند (بحرینی، ۱۳۸۳: ۲۶۳).

به نظر راجر ترانسیک، در شهرسازی معاصر، بناها جزئی از بافت خیابان‌ها و میدان‌ها و فضاهای باز زنده نیستند. توسعه‌ی شهرها بدون در نظر گرفتن روابط سه‌بعدی میان بناها و فضاها و درک واقعی از رفتار انسان صورت می‌گیرد و اهمیت نظم فضایی در عملکرد اجتماعی را تاکنون نادیده گرفته است (ترانیک، ۱۹۸۶: ۶۵). بنابراین وقتی عناصر از هم متمایز، به هم می‌پیوندند یک هدف، غایت یا معنی را می‌رسانند (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۶) و این مهم در مورد فضاهای شهری به‌ویژه ورودی آن‌ها در راستای محقق ساختن توقعات موردی از یک ورودی شهر همچون خوانایی، پذیرندگی و تشخیص (پاکزاد، ۱۳۸۶) مصداق پیدا می‌کند.

هویت بخشی به ورودی شهر از طریق روش‌های زیر امکان‌پذیر است: ایجاد برخی از فعالیت‌های شناخته‌شده که ارزش هویت شهر را بازنمایی می‌کند. تقویت عملکردها و کاربری‌هایی که در ذهن عموم مردم به‌عنوان ویژگی‌های مقبول یک شهر پذیرفته‌شده است. تقویت چشم‌انداز و منظره با استفاده از یک یا چند عنصر از علائم طبیعی (مانند کوه‌ها، رودخانه‌ها، باغ‌ها و غیره)، یا عناصر علائم مصنوعی (مانند بناهای مذهبی، بناهای تاریخی و خیابان‌های مهم و غیره). استفاده از عناصر هویتی (برگرفته از مورفولوژی بومی شهر). (سیما و ترابی، ۱۳۸۴).

پیشینه پژوهش

در زمینه طراحی ورودی شهر مطالعاتی داخلی و خارجی انجام شده است که بررسی مهم‌ترین مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر می‌تواند نقطه تمایز و هم‌راستا بودن نتایج این مقاله را روشن‌تر سازد. در ادامه به مهم‌ترین مطالعه پیشین در داخل و خارج کشور اشاره می‌شود:

ترابی و سیما در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی تحت عنوان "طراحی ورودی شهر با رویکرد هویت بخشی به فضای شهری؛ نمونه موردی: ورودی شرقی شهر زنجان" به بررسی مبانی طراحی ورودی شهر و مفهوم هویت به‌عنوان یکی از توقعات مورد انتظار از ورودی شهرها پرداخته‌اند و نیز مفهوم هویت شهری و مؤلفه‌های آن بیان را نیز بیان کرده‌اند. در انتها با توجه به مؤلفه‌های مستخرج شده فضای ورودی شرقی شهر زنجان طراحی گردیده است. در واقع در این پژوهش بُعد هویتی در طراحی ورودی شهری برجسته شده است.

ترابی و نجفی تروجنی در سال ۱۳۹۵ در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی نماد ورودی شهرها بر مبنای مؤلفه‌های کالبدی طراحی مطالعه موردی: نماد ورودی شرقی شهر قزوین به شناسایی مؤلفه‌های لازم در طراحی نمادهای ورودی شهرها و ارزیابی کیفیت نماد ورودی شهر قزوین بر اساس معیارهای کالبدی پرداخته‌اند. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که عمده ضعف موجود در نماد ساخته شده ورودی شهر قزوین، عدم ارتباط با هویت شهر و سختی درک معنای آن توسط مخاطب می‌باشد.

شاه حسینی و مولایی در سال ۱۳۹۸ در پژوهشی تحت عنوان تبیین نقش و جایگاه میراث صنعتی در ارتقای ویژگی‌های کیفی سلسله‌مراتب مبادی ورودی شهری (موردپژوهی: کوره‌های آجرپزی مبادی ورودی شهر همدان) به بازخوانی و توجه به میراث صنعتی (کوره‌های آجرپزی) مستقر در ورودی شهر همدان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کوره‌های آجرپزی مستقر در مبادی ورودی این شهر، نقش مؤثری را در هویت بخشی به شهر همدان دارا بوده و با حرکت از حوزه بیرونی به سمت حوزه درونی، نقش و اثر انکارناپذیر این میراث برجسته‌تر می‌شود.

خلیلیان و همکاران در سال ۱۴۰۰ در پژوهشی تحت عنوان در جست‌وجوی ورودی شیراز بررسی تغییرات منظر ورودی شهر شیراز - دروازه قرآن - از پیش از قاجار تا امروز به مانایی مؤلفه‌های ماهوی شکل‌دهنده به منظر ورودی شهر شیراز

پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دروازه قرآن در کنار دو مؤلفه دره و کوه‌های اطراف ورودی به لحاظ عینی و ذهنی در دوره‌های تاریخی مختلف در شکل دادن به منظر و هویت ورودی شیراز نقش مهمی داشته‌اند. این مانا بودن به صورت پویا و همگام با تغییرات و نیازهای زمانه دستخوش تغییرات شده اما هیچ‌گاه از بار منظرین این مؤلفه‌ها در تعریف ورودی شهر شیراز کاسته نشده است.

رولا در سال ۲۰۱۹ در پژوهشی تحت عنوان تأثیر آلودگی بصری در ورودی شهرهای ساحلی لبنان به ارزیابی چراغانی و روشنایی موجود در ورودی‌ها پرداخته است و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش این بود که ورودی شهرها از جهات مختلف از نظر بصری آلوده شده‌اند، به‌ویژه با نمای ساختمان‌ها، مصالح تبلیغاتی، کمبود عناصر زیبایی‌شناسانه و کمبود مبلمان خیابانی. این مطالعه توصیه می‌کند که شهرداری‌ها باید اقدامات متعددی را برای بهبود جنبه‌های بصری و زیبایی‌شناختی ورودی‌های شهرهای ساحلی انجام دهند. ایجاد مبلمان خیابانی، ساماندهی تابلوهای تبلیغاتی، وضع قوانین و قوانین برای تنظیم جنبه‌های زیبایی‌شناسی نمای ساختمان و نیز ترویج آموزش زیبایی‌شناسی در بین جامعه محلی می‌تواند به کاهش مشکلات کمک کند.

وانگ و همکاران در سال ۲۰۲۱ در پژوهشی تحت عنوان مطالعه موردی در مورد چشم‌انداز ورودی یوهانگ بزرگراه شانگهای هانگژو در پس زمینه شهر پارک به ارزیابی نقش پارک‌ها در چشم‌انداز ورودی شهر پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پارک در ورودی شهر با زندگی شهروندان آمیخته می‌شود و به این ترتیب انسان، شهر، محیط زیست و صنعت به طور هماهنگ یکپارچه می‌شوند.

با این تفاسیر و بر پایه آنچه گفته شد عدم کاربست تئوری زمینه‌گرایی در طراحی سکانس‌های ورودی یک شهر و طراحی فضاهای موردنیاز متناسب با مؤلفه‌های یک ورودی از دلایل انتخاب این پژوهش است. زیرا تاکنون بیشتر پژوهش‌ها معطوف به طراحی ورودی با هدف مکث و توجه به جنبه‌های کالبدی و بصری بوده است. علاوه بر این مطالعاتی که در زمینه تئوری زمینه‌گرایی در فضاهای شهری انجام شده است مربوط به ورودی شهر نبوده است. این در حالی است که به‌کارگیری تئوری زمینه‌گرایی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه می‌تواند توقعات موردی از ورودی شهر مانند خوانایی، پذیرندگی و تشخیص (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۲) برآورده سازد. از سوی دیگر از لحاظ روش‌شناسی مبتنی بر روش ترکیبی (کیفی - کیفی) بوده است که نتایج آن حاصل مصاحبه و مشاهدات میدانی است. بنابراین خلأ پژوهش در این مورد از یکسو، بیانگر ضرورت پرداختن به این موضوع و از سوی دیگر نشان‌دهنده جدید بودن پژوهش حاضر است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این پژوهش ترکیبی (کیفی-کیفی) است. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در روش کتابخانه‌ای، داده‌های مربوط به مبانی، نظریات، مفاهیم، اصول، پیشینه و تجربیات انجام‌شده از اسناد بالادست و آثار منتشرشده در این زمینه استفاده شده است. در روش میدانی به دو صورت اطلاعات جمع‌آوری شده است. ۱- با استفاده از پیمایش میدانی و بازدید از محل، اقدام به شناسایی، عکس‌برداری و تهیه فیلم و گزارش شده است که متناسب با تئوری مورد استفاده، قیاس شده است ۲- استفاده از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته که به روش تماتیک تحلیل شده است. با رویکرد تفسیرگرایی، سعی شد تا درک، تفسیر و ارزیابی مسئله مورد بررسی، از منظر مصاحبه‌شوندگان، تحلیل شود.

در این راستا از طریق فنون مصاحبه عمیق، مشاهده و بازدید میدانی، داده‌ها گردآوری شد و مورد تحلیل قرار گرفتند. نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شدند. نمونه آماری بر اساس معیارهایی از قبیل: شناخت از مکان، آشنایی به

موضوع، در میان برخی از مدیران و دانشگاهیان انتخاب شدند. در شناسه‌گذاری باز از دو استراتژی سؤال کردن و مقایسه کردن برای استخراج مفاهیم استفاده شد. سؤالات به صورت کلی، باز و نیمه ساختاریافته مطرح شده‌اند. سؤالات با این هدف طرح شده‌اند تا مشخص شود آیا ورودی شهر کرمانشاه از منظر مصاحبه‌شوندگان واجد مؤلفه‌های یک فضای شهری همچون ادراکی- هویتی، فعالیتی- عملکردی و ارتباطی، بصری و محیط‌زیستی است؟ و چنانچه نیست خلأهای آن مشخص گردد و سپس با استفاده از عناصر محیطی منطقه که توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شده است این خلأ با به‌کارگیری نمادین آن عناصر در طراحی و سکانس بندی ورودی شهر برطرف شود.

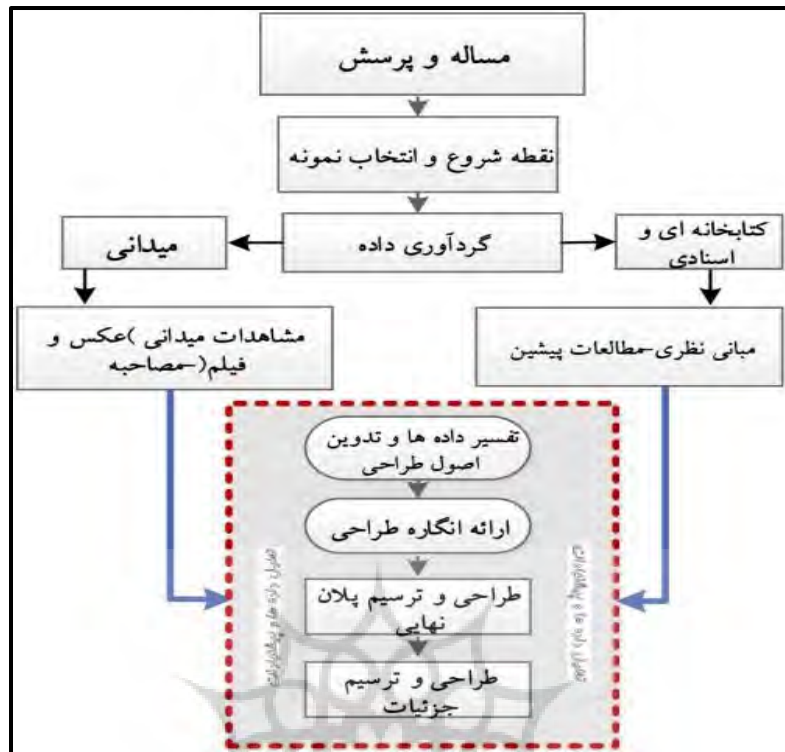
با استفاده از این رویکرد ابتدا سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی (تعیین مقوله هسته-نهایی) انجام گرفت.

تا مرحله اشباع اطلاعات از تعداد ۳۰ نمونه استفاده شده است. ویژگی جمعیت‌شناسی خبرگان همچنان که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است بدین شیوه بود، که از تعداد ۳۰ نفر خبره از نظر تحصیلات، تعداد ۶ نفر دارای مدرک کارشناسی، ۱۵ نفر کارشناسی ارشد و ۹ نفر دکتری بوده و از نظر تجربه نیز ۱۱ نفر ۳ تا ۱۰ سال، ۹ نفر ۱۰ تا ۱۵ سال و ۱۰ نفر ۱۵ تا ۳۰ سال تجربه داشتند. در واقع کارشناسانی انتخاب شدند که هم تجربه علمی کافی داشتند و هم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع مورد مطالعه ارتباط داشتند.

جدول ۱- ویژگی جمعیت‌شناسی خبرگان بر اساس تحصیلات و تجربه

سطح تحصیلات خبرگان	تعداد	درصد
کارشناسی	۶	۲۰٪
کارشناسی ارشد	۱۵	۵۰٪
دکتری	۹	۳۰٪
تجربه خبرگان	تعداد	درصد
۳ تا ۱۰ سال	۱۱	۳۴٫۸٪
۱۰ تا ۱۵ سال	۹	۳۰٫۴٪
۱۵ تا ۳۰ سال	۱۰	۳۴٫۸٪

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

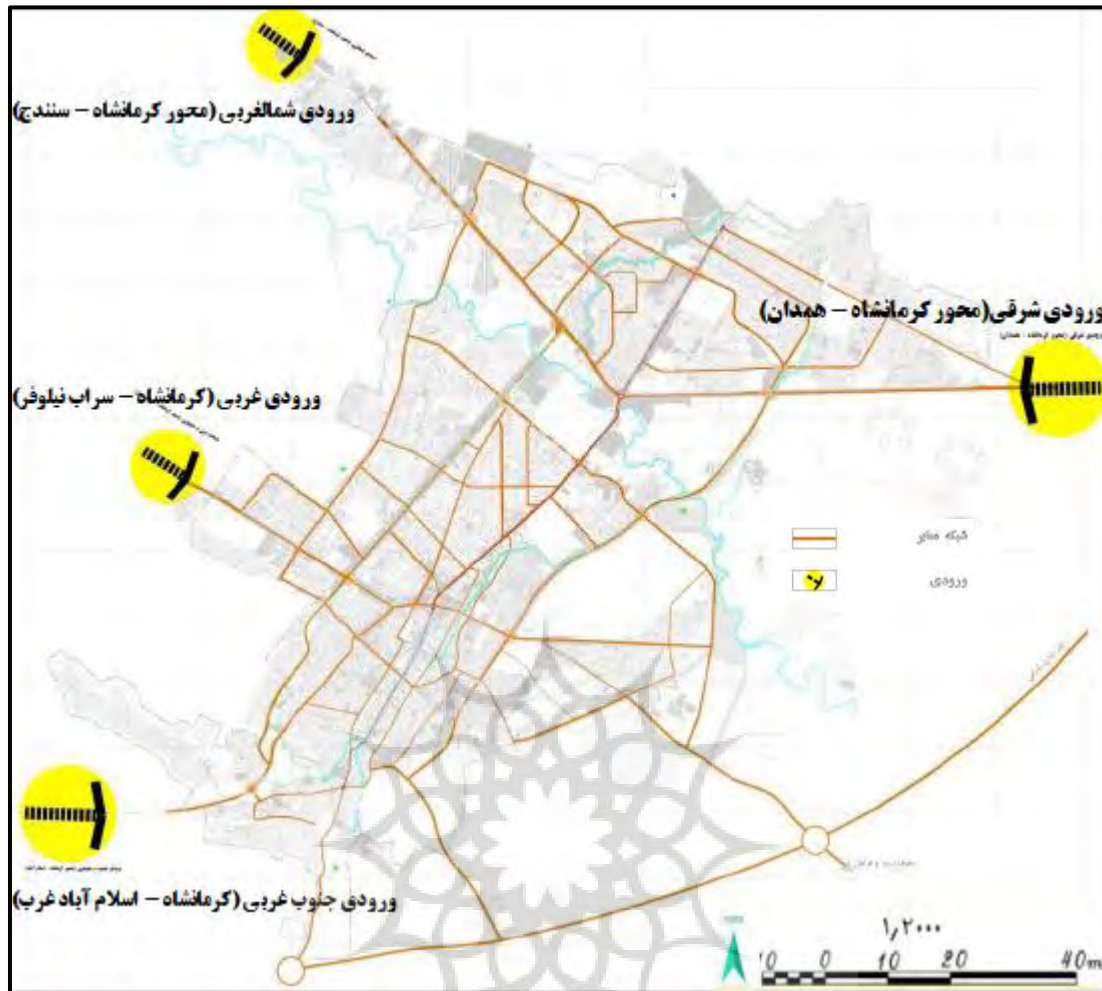


شکل ۱: نمودار فرآیند پژوهش طراحی ورودی شهر کرمانشاه

محدوده مورد مطالعه

شهر کرمانشاه مرکز استان کرمانشاه و در غرب کشور واقع شده است. جمعیت کلان‌شهر کرمانشاه در سرشماری سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۹۴۶،۶۵۱ نفر بوده و مساحت آن ۹۳،۳۸۹،۰۹۵۶ مترمربع است. این شهر به دلیل قرارگرفتن در چهارراه دو محور شمال به جنوب و شرق به غرب و نیز همسایگی با کشور عراق و واقع شدن بر سر راه شهرهای زیارتی کربلا و بغداد از اهمیت بسیاری برخوردار است.

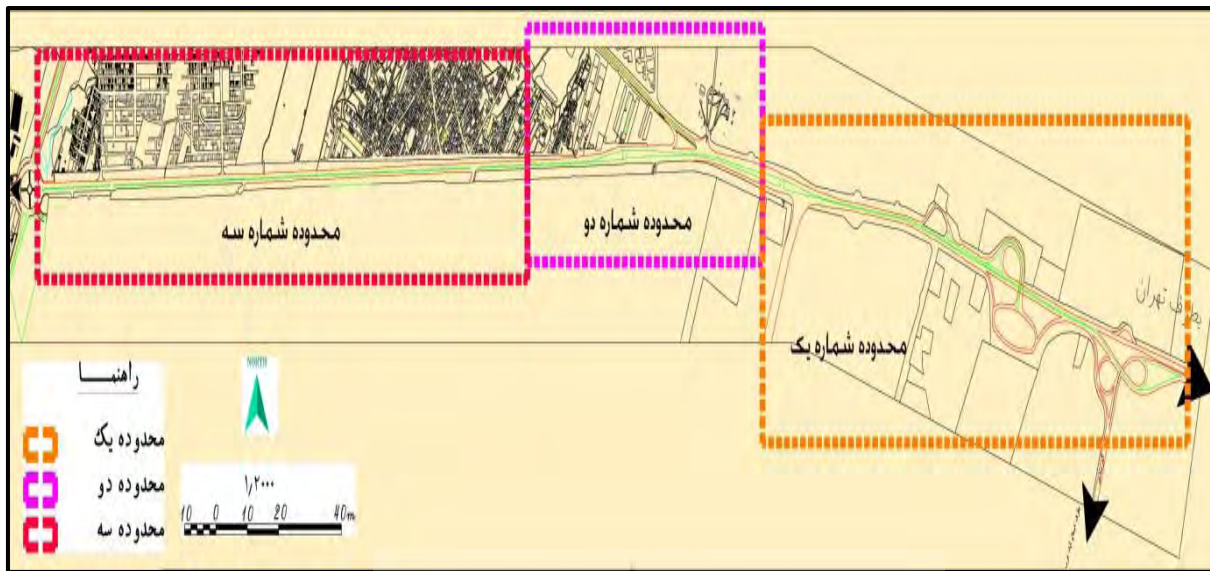
ورودی‌های شهر کرمانشاه از چهار جهت شامل ورودی جنوب و جنوب غربی (محور کرمانشاه-اسلام آباد غرب)، ورودی شمال غرب (محور کرمانشاه - اسلام آباد غرب)، ورودی از سمت غرب و جنوب غربی (محور کرمانشاه سراب نیلوفر) و ورودی شرقی (محور کرمانشاه- همدان و تهران) می‌باشد.



شکل ۲: نقشه شهر کرمانشاه و ورودی‌های آن

محدوده مورد مطالعه، ورودی شرقی کرمانشاه شامل محدوده تقریبی ۸ کیلومتری محور کرمانشاه-همدان است که مشخصات و ویژگی‌های آن در جدول ۱ و شکل ۲ و ۳ نشان داده شده است.

پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۳: نقشه محدوده بندی ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان

جدول ۲: سکانس بندی محدوده و ویژگی‌های هر کدام از سکانس‌ها

ردیف	سکانس	موقعیت	طول	معیار/ویژگی
۱	سکانس اول / حوزه روانی	از سمت همدان کمی بعد از کمربندی شهر با وجود ساختمان‌های شهرک صنعتی بیستون و تا فاصله تقریبی ۵۰۰ متری جاده قدیم ورود به شهر (جاده طاق‌بستان)	۲,۹ کیلومتر	ظهور علائم و ساختمان‌هایی است که به‌طور متعارف در پیرامون شهرها مانند (سیلو، نیروگاه، کارخانه و ...) ساخته می‌شوند و یا عواملی که باعث تغییر حرکات وسایل نقلیه می‌گردد
۲	حوزه واسط و میانی / سکانس دوم	از ۵۰۰ متر قبل از سه‌راهی جاده قدیم تا ابتدای حوزه سوم	۱,۶ کیلومتر	روئیت ساخت‌وسازهای حاشیه‌ای و دور نمایی کلی از شهر
۳	حوزه سوم / سکانس سوم	نقطه اتصال خط فرضی مرکز جغرافیایی محله نوکان عمود بر بلوار شهید کشوری	۳,۴ کیلومتر	حضور فیزیکی شخص در آن محدوده

تجزیه و تحلیل داده‌ها

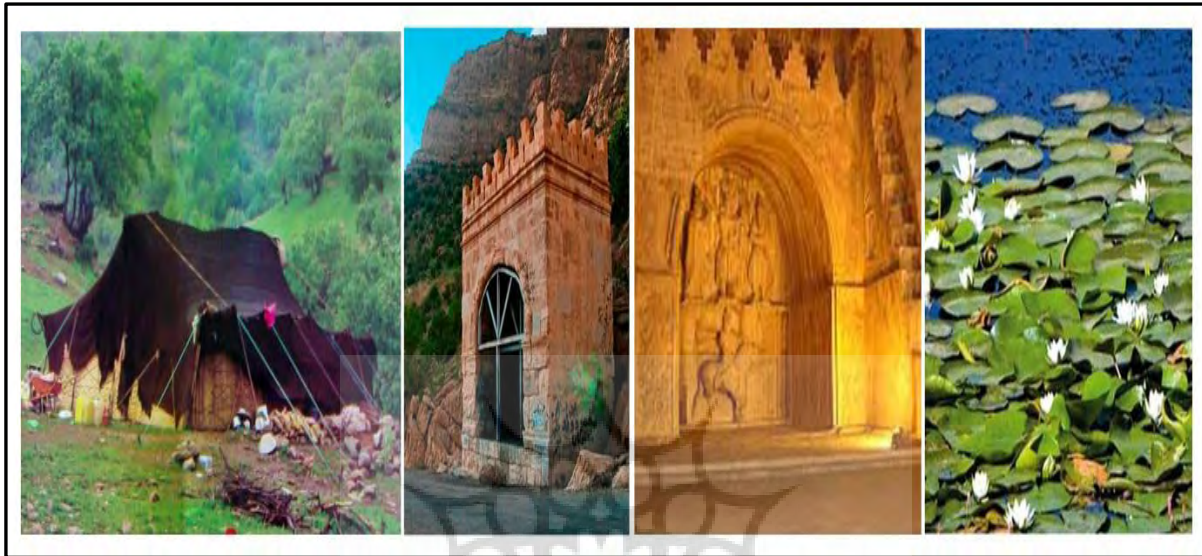
در این بخش با اجرای کامل کدگذاری باز و محوری و گزینشی به ترتیب به ۱۱ مفهوم اولیه، ۷ مقوله عمده و یک مقوله هسته نهایی استخراج شدند که در جدول آمده است.

جدول ۳: مفاهیم و مقولات مستخرج از داده‌های کیفی

مقوله هسته‌ای	مقولات عمده	شناسه/مفاهیم
عدم پایداری نسبی در یک مکان شهری (ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان) " به علت عدم طراحی و وجود همه مؤلفه‌های کیفی مناسب و متناسب با محیط طبیعی و انسانی شهر برای یک ورودی	عدم تناسب گره‌ها	کاهش سرعت در دوراهی جاده قدیم کاهش سرعت در میدان امام خمینی
	مکت نابهنگام در محدوده فیزیکی	کاهش سرعت در ابتدای شروع ساختمان‌ها (محدوده فیزیکی)
	منظر بصری نامناسب	منظر نامناسب پل عابر پیاده، گاردریل، نمای نامناسب ساختمان‌ها و تعمیرگاه‌ها
	لبه قوی با منظر بصری مناسب	فضای سبز درختان بلند در کنار بلوار شهید کشوری
	دید به نشانه طبیعی و مصنوعی	وجود کوه پرآو و مراتع وجود پادگان نظامی وجود یادمان شهدا وجود هوانیروز
	آلودگی زیست‌محیطی	وجود زباله در محدوده محله نوکان و رها شدن فاضلاب و زباله‌های تعمیرگاهی
	مکان بدون کارکرد	عدم وجود خدمات رفاهی در ابتدای ورودی

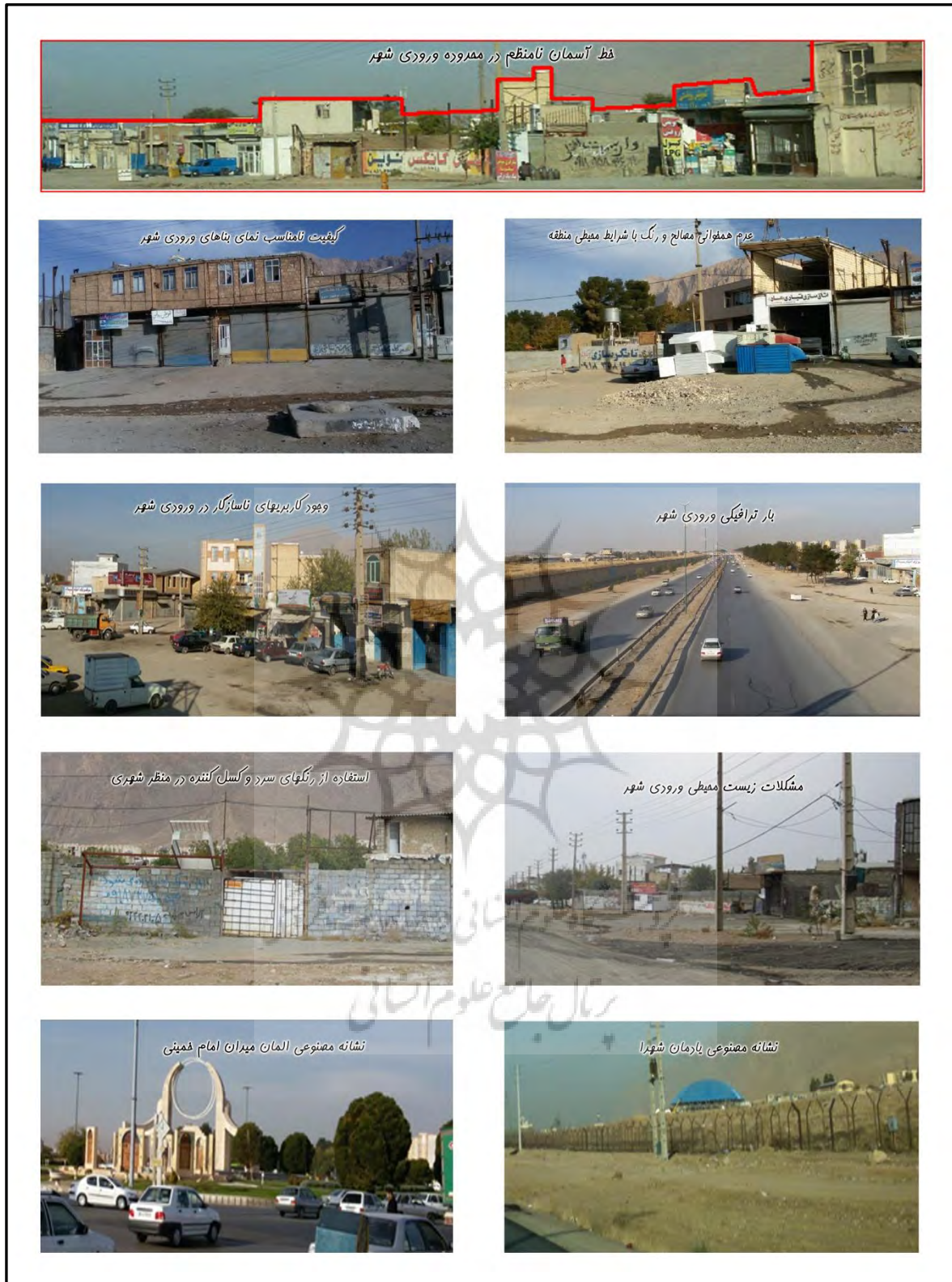
مقولات به دست آمده در فرایند تحلیل تماتیک خط سیر ترکیب و شرایط ایجاد " عدم پایداری نسبی در یک مکان شهری (ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان) به علت عدم طراحی و وجود همه مؤلفه‌های کیفی مناسب و متناسب برای یک ورودی " را نشان می‌دهد. با این توضیح که: در حالی که کاهش تدریجی سرعت در سکانس‌های اول و دوم و سوم ضروری است، اما به علت وجود گره در مکان‌های نامناسب، یک‌باره و در محدوده فیزیکی (سکانس سوم) آن‌هم متأثر از وجود یک دوراهی بسیار ناایمن (دوراهی جاده قدیم تهران) رخ می‌دهد. منظر بصری نامناسب به علت وجود مصالح، رنگ، نمای نامناسب و ناهماهنگ با زمینه، خط آسمان نامنظم و محیط زیست ناسالم در لبه آشفته شمالی در ابتدای محدوده فیزیکی (تا محله نوکان) از دیگر مقولاتی است که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند. در مقابل به با توجه به وجود درختان بلند (لبه سبز) در کنار بلوار شهید کشوری در منتهی‌الیه محدوده فیزیکی، منظر بصری مناسب شکل گرفته که نیازمند ارتقاء است. دید به نشانه‌های طبیعی و مصنوعی مانند کوه پرآو، یادمان شهدا، هوانیروز و پادگان نظامی از مقولات مورد توجه مصاحبه‌شوندگان است که نیاز به ارتقاء دارد. فقدان کاربری‌های خدماتی در ابتدای ورود به شهر، عدم کارکرد این فضای شهری نشان را می‌دهد. تعمیرگاه‌ها، زباله‌ها و پسماندهای رها شده، در ابتدای محدوده فیزیکی و محله نوکان، باعث آلودگی محیط زیست فضای ورودی شهر شده است.

از دیگر یافته‌های پژوهش که در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مورد اشاره قرار گرفت استفاده نمادین از عناصر محلی استان کرمانشاه مانند طاق‌بستان، طاق گرا، صنایع محلی، سیاه‌چادر، معبد آناهیتا، گل نیلوفر، یادمان شهدا و کوه پرآو در ورودی شهر بود که در شکل ۴ نشان داده شده است.



شکل ۴: برخی از عناصر محلی زمینه عاریت گرفتن در طراحی ورودی (گل نیلوفر، طاق‌بستان، طاق گرا و سیاه‌چادر)

یافته‌های ناشی از مشاهدات میدانی در انطباق و مکمل نظرات مصاحبه‌شوندگان هست. در وضع موجود ورودی شهر کرمانشاه همچنان که در شکل شماره ۵ نشان داده شده است علی‌رغم وجود برخی امکانات و نقاط قوت، دارای نقاط ضعف عمده‌ای در ابعاد فوق است و یک نوع آشفتگی در ورودی شهر مشاهده می‌شود. از مصادیق آن می‌توان به خط آسمان نامنظم در محدوده فیزیکی، کاربری‌های ناسازگار مانند تعمیرگاه‌ها و سایر مشاغل مزاحم شهری، به‌کارگیری مصالح و رنگ ناهمخوان با شرایط محیطی منطقه، استفاده از رنگ‌های سرد و کسل‌کننده، مشکلات زیست‌محیطی ناشی از رهاسازی زباله و فاضلاب‌های خانگی و تعمیرگاه‌ها در سطح پیاده‌رو، وجود فضاهای رهاسده با پوشش خاکی و گردوخاک ناشی از آن، دیوار صلب و سخت هوانیروز با سیم‌خاردار و حفاظ‌های امنیتی مجموعه‌ای از مشکلات در ابعاد مختلف هویتی-اداری، عملکردی، بصری و زیست‌محیطی هستند که ورودی شهر کرمانشاه را صرفاً در حد یک مسیر ارتباطی تقلیل داده‌اند.



شکل ۵: تصاویری از یافته‌های پژوهش در ابعاد هویتی-ادراکی، بصری، عملکردی و زیست محیطی ورودی شهر

با وجود این منطقه کرمانشاه سرشار از آثار برجسته مادی و معنوی است که نماد و نشانی از اصالت فرهنگی مردمان این سرزمین است. مجموعه این عوامل و خصوصیات منحصر به‌به فرد طبیعی و انسانی که در ذات منطقه وجود دارد منطقه کرمانشاه را پازلی متمایز از سایر مناطق کشور نشان می‌دهد. این ویژگی‌های برجسته که مورد تأکید جامعه آماری بوده است شامل آثار تمدن ایرانی همچون طاق‌بستان، طاق‌گرا، کتیبه بیستون، معبد آناهیتا و چند اثر دیگر که ویژگی منحصر به‌فرد منطقه کرمانشاه در کشور ایران هست. مجموعه این ویژگی‌ها هویت این سرزمین را نمایانی می‌کند. بر اساس مصاحبه‌ها، مشاهدات و مطالعات میدانی و قیاس با مبانی نظری در ابعاد، ادراکی- هویتی، فعالیتی- عملکردی و ارتباطی، بصری و محیط‌زیستی، مشخص گردید خلأ موجود در عدم به‌کارگیری عناصر محیطی مبتنی بر توقعاتی موردی از یک ورودی است.

ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان فاقد هرگونه ویژگی یک ورودی شهری است و توقعات موردی از یک ورودی را برآورده نمی‌سازد؛ زیرا صرفاً نقش ارتباطی دارد و بدون هرگونه خوانایی، پذیرندگی و تشخیص (پاکزاد، ۱۳۸۶) ناگهان خود را دل شهر احساس می‌کنید و تمایزی از یک شهر با هویت مشخص و متمایز و حتی نقطه ورود به شهر به دست نمی‌دهد و به علت عدم تأمین خوانایی، پذیرندگی و تشخیص فاقد مؤلفه‌های یک ورودی شهر است. در صورت کاربست تئوری زمینه‌گرایی در هنگام طراحی ورودی شهر و از طریق عاریت گرفتن از عناصر محیطی منطقه، ورودی شهر کرمانشاه واجد مؤلفه‌های کیفی یک ورودی خواهد بود و توقعات موردی از یک ورودی که شامل خوانایی، پذیرندگی و تشخیص است را برآورده سازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مطالعات در راستای شاخص‌های فوق و به‌کارگیری تئوری زمینه‌گرایی جهت محقق ساختن آن‌ها بوده است.

نتایج پژوهش حاضر هم‌راستا و همسو با نتایج پژوهشات مشابه است. حبیبی و دیگران (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیدند که در طراحی میدان شهری (امامزاده دو خاتون شهرکرد) به‌عنوان یک فضای جمعی شهری از ویژگی‌های فرهنگی منطقه استفاده شده است. در این پژوهش با استفاده از تلفیق کالبد و محتوا، تمهیدات ایجاد فضای شهری سرزنده، پویا و مطلوبی در محدوده آتی میدان پیشنهاد شده است. ساماندهی و طراحی شهری میدان امامزاده دوخاتون شهرکرد به تلفیق کالبد فضای شهری با محتوای آن در جهت حیات اجتماعی و سرزندگی از طریق سیمای زمین پرداخته شده است. تلفیقی از لایه‌های مختلف فرهنگی به‌عنوان ایده اصلی سیمای زمین میدان که با هدف یکپارچه کردن فضا و جداره‌های میدان از طریق سیمای زمین و محتوای فضا و استفاده از اصول تجربه‌شده در میادین موفق دنیا صورت گرفته است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۶ و ۷۹). این مطالعات به‌خوبی نشان داد به‌کارگیری عناصر محیطی تحت تئوری زمینه‌گرایی در طراحی فضاهای شهری می‌تواند نتایج مشابه و مطلوبی به دست آورد. همچنین به باور ترابی و سیما یکی از نکات ضروری در تجسم عناصر هویت نوآوری است به‌گونه‌ای که این نوآوری درک و خوانایی علائم را کاهش ندهد و از سوی دیگر به حدی انتزاعی نباشد که باعث کاهش پیش‌بینی برای مخاطبان شود. (ترابی و سیما، ۱۳۹۲: ۵۳).

در طراحی ورودی شهر کرمانشاه تلاش شده تا اصول احصاء شده به شکل نوآورانه اعمال شود. به‌گونه‌ای که در طراحی ورودی، حفظ و تداوم هویت پیشین، ارتباط مخاطب با هویت مکان از طریق ارتباط بصری با عناصر نمادین، ایجاد مکث از طریق ارتباط بصری با نشانه‌ها و عناصر نمادین، پایداری زیست‌محیطی و طراحی عملکردی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه (از سمت همدان) را محقق سازد. زیرا بستر و زمینه هر طرحی، ترکیبی از ویژگی‌های محیطی، کالبدی، تاریخ، فرهنگ و فعالیت‌های اجتماعی و دستاوردهای مادی و معنوی آن درگذر زمان است که در طراحی ورودی جدید از ویژگی‌های فوق استفاده شده است. در نتیجه ورودی شهر کرمانشاه به‌عنوان یک فضای شهری نه‌تنها واجد مؤلفه‌های کیفی طراحی، متناسب با یک فضای شهری خواهد شد بلکه به‌عنوان یک فضای ورودی با هویت مشخص و متمایز از سایر ورودی‌های شهری خودنمایی خواهد کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش بر اساس یافته‌های ناشی از مشاهدات میدانی و مصاحبه با جامعه آماری پژوهش نشان داد که فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید است. عدم به‌کارگیری عناصر محیطی (انسانی و طبیعی) در ورودی شهر کرمانشاه باعث شده تا ورودی شهر، فاقد مؤلفه‌های کیفی یک ورودی باشد و به تبعیت از آن یک هویت متمایزی نداشته باشد. به‌گونه‌ای که نه تنها ورودی شهر سکناس بندی مشخصی ندارد تا وارد شونده احساس ورود به شهر در آن شکل بگیرد بلکه دارای یک آشفتگی و عدم هماهنگی عناصر محیطی متناسب با اصول یک ورودی است. از مصادیق موارد فوق بر مبنای نتایج مشترک مشاهدات میدانی و نظر جامعه محلی مواردی مانند، آشفتگی در خط آسمان محدوده فیزیکی، دیوار صلب و سخت فرودگاه، استفاده از مصالح نامرغوب و غیر محلی با رنگ ناهماهنگ با زمینه محیطی و ... است. این در حالی است که عناصر محیطی متعددی با غنای بسیار بالا در منطقه وجود دارد که می‌تواند بر مبنای تئوری زمینه‌گرایی مورد استفاده قرار گیرد و متناسب با مؤلفه‌های مورد نیاز برای یک ورودی در هر سکناس به عاریت گرفته شود. این عناصر شامل طاق‌بستان، طاق گرا، گل نیلوفر، سیاه‌چادر، مصالح محلی مانند سنگ، نشانه‌های برجسته‌ای همچون کوه پرآو، صنایع دستی، پوشش گیاهی منطقه و آثار تاریخی معماری که در سطح منطقه است.

از نتایج مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده مشخص گردید که ابعاد زمینه‌گرایی در پس ذهن مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید می‌باشد. در این راستا موارد و اصول زیر که می‌تواند در طراحی فضای ورودی شهر مورد استفاده قرار گیرد قابل احصاء است:

- ۱- هماهنگی عناصر کالبدی با محیط
- ۲- استفاده از نمادهای بومی و محلی
- ۳- استفاده از مصالح بومی
- ۴- طراحی عملکردی
- ۵- پایداری زیست‌محیطی.

در این راستا عناصر محیطی که می‌تواند در طراحی ورودی شهر مورد استفاده قرار گیرد شامل؛ طاق‌بستان، طاق گرا، صنایع محلی، سیاه‌چادر، معبد آناهیتا، گل نیلوفر، یادمان شهدا و کوه پرآو که در سکناس بندی‌های ورودی و متناسب با هر المان یا فضای شهری از آن‌ها استفاده شده است. از مصادیق آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از جزئیات طاق‌بستان در دیوار فرودگاه و سایر بناهای خدماتی محدوده، از سیاه‌چادر در طراحی آلاچیق، از گل نیلوفر در طراحی پل عابر پیاده، مصالح سنگ محلی در نمای ساختمان‌های محدوده، از پوشش گیاهی منطقه در فضای سبز محدوده، ایجاد کاربری‌های خدماتی متناسب با نیاز وارد شوندگان با مرکزیت یادمان شهدا به‌عنوان یک فضای جاذب گردشگر عقیدتی- مذهبی، استفاده شده است. با کاربری این عناصر متناسب با اصول و مؤلفه‌های مورد انتظار از یک ورودی، ورودی شهر کرمانشاه نه تنها واجد یک ورودی داری پذیرندگی، خوانایی و تشخیص خواهد بود بلکه به‌عنوان یک فضای شهری متمایز از سایر ورودی‌ها و خاص کرمانشاه خواهد بود.

در طراحی و خلق مکان‌های جدید با تأسی از اصول فوق از عناصر محیطی در طراحی ورودی شهر که در جدول شماره ۴ و شکل ۶ نشان داده شده، استفاده شده است.

جدول ۴: کاربری اصول زمینه‌گرایی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه

ردیف	اصول احصاء شده از زمینه‌گرایی در طراحی ورودی شهر	مصادیق
۱	هماهنگی عناصر کالبدی با محیط	نشانه‌ها و نقاط عطف موجود در سایت شامل نشانه‌های طبیعی (کوه پرآو، اراضی کشاورزی، مراتع، باغات)، و نشانه‌های مصنوعی (یادمان شهدا و ...) در طرح ورودی حفظ و تقویت شده است.
		استفاده از درختان بومی در ایجاد فضای سبز اطراف ورودی، داخل پارک و جداره‌های سبز پیش‌بینی شده است.
۲	استفاده از نمادهای بومی و محلی	از سیاه‌چادر برای تهیه آلاچیق استراحتگاه‌های داخل فضای سبز الگوبرداری شده است. به‌منظور ایجاد تنوع در فضاها در شکل و فرم پل‌ها و روگذرهای عابر پیاده، احجام روشنایی از عناصر محلی مانند گل نیلوفر الگوبرداری شده است.
		در طراحی ساختمان‌ها و کاربری‌های خدماتی کنار محور از جزئیات بناهای تاریخی مانند طاق‌بستان و طاق‌گرا استفاده شده است
		از ترکیب جزئیات معماری طاق‌گرا و طاق‌بستان در طراحی دیوار هوانیروز استفاده شده است
		ایجاد المان عاریت گرفته‌شده از طاق‌بستان
۳	استفاده از مصالح بومی	استفاده از مصالح سنگ محلی در نمای بناها استفاده از مصالح سنگ محلی جهت سطوح پیاده
۴	طراحی عملکردی	ایجاد کاربری‌های خدماتی موردنیاز یک ورودی در اطراف یادمان شهدا طراحی مسیرهای ورودی و خروجی ایمن و تفکیک خطوط عبوری سواره استاندارد طراحی مسیر پیاده در پیوند با کاربری‌های اطراف ورودی با جنس و مصالح مناسب اختصاص قطعاتی از مسیر به فضاهای پرتحرک عمومی برای مسافران و حتی شهروندان و تعیین عملکرد محدوده‌ها با محوطه‌سازی.
۴	پایداری زیست‌محیطی	تقویت و توسعه جداره‌ها با پوشش سبز انتقال کاربری‌های ناسازگار مانند تعمیرگاه‌های اطراف ورودی و جایگزینی کاربری‌های خدماتی سازگار و متناسب ایجاد کانئو و هدایت آب‌های روان

جلوگیری از هدایت فاضلاب و پسماند در سطح پیاده‌رو و خیابان



شکل ۶: کاربست اصول احصاء شده در طراحی ورودی شهر

منابع و مأخذ

- اصلانی، احسان، نگین مینایی و منصور نیک پور. (۱۳۹۲). طراحی فضاهای شهری با تکی بر زمینه انسان گرایانه. همایش ملی شهرسازی انسان‌گرا. دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- براتی، ناصر، و سیده نسیم نجفی تروجنی. (۱۳۹۵). ارزیابی نماد ورودی شهرها بر مبنای مؤلفه‌های کالبدی طراحی (نمونه مورد بررسی: نماد ورودی شرقی شهر قزوین)، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۱۹: ۸۱-۹۱.
- بهزاد فر، مصطفی. (۱۳۸۵). هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران. تهران: نشر شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه و الهه ساکی. (۱۳۹۳). تجربه‌ی زیبایی‌شناختی محیط. نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۹، شماره ۳: ۵-۱۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه و حمیده بزرگ. (۱۳۹۴). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. چاپ سوم. تهران: انتشارات آرمان شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. چاپ سوم. تهران: انتشارات شهیدی.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۰). زمینه‌گرایی در شهرسازی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۴: ۳۴-۴۳.
- چنگیزی، نگار، و احمدیان، رضا (۱۳۹۲). بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۱: ۵۳-۶۳.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر روش پژوهش در علوم انسانی. چاپ ششم. تهران: انتشارات سمت.
- حبیبی، کیومرث، مجتبی صفدر نژاد و حمیدرضا موسوی. (۱۳۹۱). ساماندهی و طراحی شهری میدان امام‌زاده دو خاتون شهرکرد مبتنی بر فرهنگ بومی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۸: ۸۷-۶۹.
- خلیلیان، سیما، مهدی زندیه و آیدا آل هاشمی. (۱۴۰۰). در جست‌وجوی ورودی شیراز، بررسی تغییرات منظر ورودی شهر شیراز - دروازه قرآن - از پیش از قاجار تا امروز، مجله منظر، شماره ۱۳ (۵۷): ۸۹-۷۸.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۲). فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. چاپ اول. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاه تیموری، یلدا و حامد مظاهریان. (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۴: ۲۹-۴۰.
- شاه حسینی، گلاره، و محمد مهدی مولایی. (۱۳۹۸). تبیین نقش و جایگاه میراث صنعتی در ارتقای ویژگی‌های کیفی سلسله‌مراتب مبادی ورودی شهری (موردپژوهی: کوره‌های آجرپزی مبادی ورودی شهر همدان)، نشریه نقش جهان، شماره ۱: ۲۲-۱۳.
- شیهه، اسماعیل، کیومرث حبیبی و مهدی سعیدی. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی طراحی محور به‌عنوان رویکردی نوین در شهرسازی، فصلنامه باغ نظر، شماره ۳۵: ۱۴-۳.
- طالبی، مانی، رضا ویسی و مسلم گنجی افسوران. (۱۳۹۵). برند سازی شهری در بستر بازآفرینی شهر رشت. رشت: انتشارات رمه.
- علی تاجر، سعید و سمیرا اسدی بوالوردی (۱۳۹۷). تأثیر نیازهای انسانی بر دل‌بستگی به محیط کالبدی در مسکن و پیش‌بینی عوامل مؤثر در ارتقاء آن، مطالعه موردی: شهر تهران. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، (۲۳)، ۶۵-۷۴.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۱). باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- قدیری، بهرام (۱۳۸۵). ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قریب، فریدون (۱۳۸۲). ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهرها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۱: ۴۵۸-۲۸.
- لنگ، جان (۲۰۰۵). طراحی شهری؛ گونه شناسی، رویه‌ها و طرح‌ها همراه با بیش از ۵۰ مورد خاص. ت: سید حسین بحرینی (۱۳۹۴)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کالن، گوردن (۱۹۹۱). گزیده منظر شهری، ت: منوچهر طبیبیان (۱۳۹۵)، تهران: چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران.
- کورت گروتو، یورگ (۱۹۸۷). زیبایی‌شناسی در معماری. ت: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون (۱۳۷۵)، تهران: چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گل، یان (۲۰۱۵). شهر انسانی. ت: علی و لیلا غفاری (۱۳۹۴). تهران: چاپ دوم، انتشارات علم معمار روایال.
- ماجدی، حمید و زهرا السادات حمیده زرآبادی (۱۳۸۹). شهر نشان‌دار به‌مثابه شهر زمینه گرا، فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی، شماره ۳: ۲۱-۱.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری. چاپ هشتم. تهران: انتشارات سروش دانش.
- Ashihara, Y (1983). *The Aesthetic Townscape*, Trans, Lynne E. Riggs Cambridge: MIT Press.
- Cowan, R. (2005). *The Dictionary Contextualism*, Tisbury: Streetwise press.
- Freeman, R. W. (1976). Integrity in the Vieux Carre. in the Economic Benefits of Preseving Old Buildings. Latham. J.E., Ed.; The Preservation Press/National Trust for Historic Preservation: Washington. DC .USA, pp.111-115.
- Geddes, p (1968). *cites in Evolution: an introduction to the Town planning Movement and to the study of cities*. london: Emesst Benn Limited
- Giddes, p (1979) *cites in Evolution: an introduction to the Town planning Movement and to the study of cities*. london: Emesst Benn Limited.
- Hijazi Rola (2019) Impact of Visual Pollution at the Entrances of Coastal Cities in Lebanon, *European Scientific Journal* June 2019 edition Vol.15, No.17 ISSN: 1857 – 7881 (Print) e - ISSN 1857- 7431
- Hirt, S.A. (2009) Premodern, modern, postmodern? placing new urbanism into a historical perspective. *J. Plan. Hist.* No.8. 248-273.
- Jacobs, J. (1996). *The Deat and Life of Great American Cities*, Random House Digital, Inc. new York, NY. USA.
- Liu, X. (2008). *Theories of modern Architecture*; China Architecture & Building. Press Beijing. China.
- Mumford, L. (1938). *The Culture of Cities*. Secker & Warburg: London, UK.
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius Loci: Toward the Phenomenology of Architecture*, New York: Rizzoli.
- Rowe C&F. kotter (1978) *collage city*. Cambridge: Mit press.
- Stern, R. A. M. (1983). After modernist movement. *Architect*, No.15, 201-205
- Trancik, R. (1986). *Finding Lost Space: Theories of Urban Design*, New York: Van Nostrand Reinhold.
- Waterhouse, A (1978) *Boundaries of the city: THE Architecture of Western*. Toronto university: A PRESS.

Wolford, Jane N. , (2004), Architectural Contextualism in the Twentieth Century: with particular reference to the architects E. Fay Jones and John Carl Warnecke, Thesis (Ph.D), Georgia Institute of Technology

www.pss.org

Yang Wang et al (2021), Case study on the landscape of Yuhang Entrance of Shanghai-Hangzhou expressway under the background of the park city IOP Conf. Ser.: Earth Environ. Sci. 865 012025.

